

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ اپریل ۲۰۱۹

تجرید "غنی احمدزی" به وسیله "زلمی خلیزاد"

جمعه- ۱۶ حمل ۱۳۹۸ - کابل: مسافرت سه روزه "زلمی خلیزاد" به افغانستان و مذاکرات ویدئویی و حضوری وی با تعدادی از جنگسالاران، زعمای قومی، مقامات دولتی و عده خود فروش که در عقب اصطلاحات روشنفکری و جامعه مدنی مخفی شده اند، نیز خاتمه یافت، بارزترین نتیجه ای که از این مذاکرات و دید وادید ها بروز نمود، موضوع یادداشت امروز است:

۱- از آن جایی نویسنده این یادداشت خوشبختانه خود مستقیم و یا غیر مستقیم در این روند خاینانه ای که "خلیزاد" و "کرزی" از یک جانب و "غنی احمدزی" از جانب دیگر آغاز نموده اند، شرکت نداشته ام و هیچ کسی نمی تواند امروز و یا فردا ادعا نماید که من نوعی نیز در پای یک قرارداد وطنفروشانه امضاء کرده ام، در نتیجه بیشترین مبنای بحث را خبرهای سرچوک، صحبت های "از مابهران" و آنچه به مثابه نتایج دیدار ها قابل لمس اند، می سازد.

۲- تا جایی که از نتایج صحبت ها به خصوص آخرین مصاحبه مطبوعاتی "حامدکرزی" بر می آید، مرکز ثقل این صحبت های چندبعدی را اختلاف نظر بین "غنی احمدزی" و "حامدکرزی" می ساخت. چه در حالی که "حامدکرزی" تصمیم دارد قبل از به اصطلاح تدویر "جرگه مشورتی صلح پیشنهادی" "غنی احمدزی" در مذاکرات صلح با طالب در قطر اشتراک بورزد، "غنی احمدزی" تلاش می ورزید تا مانع رفتن کرزی و همراهانش به قطر شده و از آنها مجدانه می خواست تا سفرشان را به بعد از برگزاری "جرگه مشورتی صلح" به تعویق بیندازند.

۳- به اساس گفته های از ما بهتران در جلسه ای که در ارگ دایر شده بود، گویا "غنی احمدزی" فراموش نموده بود که یک حاکم دست نشانده است و گفته بود که "دولت به هیچ کسی اجازه رفتن و برگشتن به چنین مسافراتی را نمی دهد" که ضمن شنیدن جواب خشن از جانب "حامدکرزی" جنرال "سکات میلر" که تا دیروز دست در دست "غنی احمدزی" قومندان "رازق" را به قتل رسانید، طرفین را به آرامش دعوت نموده، با عباراتی نظیر "نیروهای نظامی بین المللی مستقر در میدان هوایی کابل به خود اجازه نمی دهد تا جلو تحرکات صلحطلبانه زعمای قومی و سیاسی افغانستان را بگیرد"، تلویحاً به "غنی احمدزی" فهمانده بود که بیش از این حرفش خریدار ندارد.

۴- تمام این مذاکرات و بگو مگو ها، باز هم یک حقیقت را به اثبات رسانید که وقتی کشوری اشغال می گردد و اشغالگران جهت تأمین منافع و دوام سلطه شان، فرد بی هویتی را با هزاران "الله و بسم الله" و دادن القاب مطمئن بر کرده مردم سوار می کنند، تمام این احترام کذائی فقط تا زمانی دوام دارد که استعمار نوکر و یا نوکران بهتر از وی

نیافته باشند، در غیر آن به محض دسترسی به نوکر و نوکران بهتر، با یک سوزن و خارج کردن باد از شخصیت پوقانه نی، هویت اصلی وی را در معرض دید قرار می دهند.

۵- این همان روندیست که قبلاً یعنی زمانی که انگلیسها "شاه شجاع درانی" را بر تخت کابل نشانند، اتفاق افتاده و زورش گوی سبقت خیانت به وطن و خدمت به انگلیس را از وی ربود، این همان روندیست که باردیگر در زمان "علیحضرت امان الله خان" بعد از دوران وابستگی پدرش اتفاق افتاد و خاندان غدار طلائی برای حدود نیم قرن افغانستان را تاریخانه اشباح مبدل نمودند، این همان روندیست که در ربع چهارم قرن بیست، در مناسبات بین "ببرک کارمل" و داکتر "نجیب" اتفاق افتاد و همه به یاد داریم که چگونه داکتر "نجیب" در یک رقابت و طنز و شوخی "ببرک" مزدور را به دور افکند. "غنی احمدزی" چه خواهد و چه هم نخواهد، شمارش معکوس برایش آغاز یافته، اگر می خواهد زنده بماند ناگزیر است به خیانت خود ادامه دهد.

هموطنان گرامی!

تاریخ بارها و بارها نشان داده که خاینان به کشور و قاتلان به ملت تاریخ مصرف خاص خودشان را دارند، هرچند بکوشند سرانجام از جانب باداران شان تنها گذاشته می شوند و این همان چیزیست که فعلاً "غنی احمدزی" را به سرحد جنون رسانیده است.

سرکها ما را می طلبد!!